

مقایسه مدل های مثلث، دیاموند و پنتاگون قلب در ارزیابی ریسک قلب

مسعود طاهری^۱*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۰۲

چکیده

ارزیابی ریسک قلب یکی از مهمترین فرآیندهایی است که حسابرسان در رسیدگی های خود انجام می دهند. از این رو آن ها باید سعی کنند در انجام این فرآیند از مدل های مناسب استفاده نمایند. در این راستا، این پژوهش به مقایسه مدل های مثلث، دیاموند و پنتاگون قلب در ارزیابی ریسک قلب می پردازد. مدل مثلث قلب سه بعد فشار/انگیزه، فرصت و توجیه سازی را به عنوان ابعاد قلب معرفی می کند. این در حالی است که مدل دیاموند قلب، علاوه بر سه بعد مذکور، بعد توانایی را نیز در ارزیابی ریسک قلب در نظر می گیرد. همچنین مدل پنتاگون قلب، علاوه بر چهار بعد بیان شده، بعد غرور را به عنوان یکی از ابعاد قلب معرفی می کند. به منظور مقایسه این مدل ها، از افته استفاده شده است. از آزمون های تحلیل واریانس، توکی و شفه برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده گردیده است. جامعه آماری پژوهش، حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابداری و موسسات حسابداری در سال ۱۳۹۷ می باشد که در مجموع ۱۴۶۲ نفر بوده اند. برای محاسبه تعداد نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. همچنین، با توجه به جامعه آماری، از روش نمونه گیری طبقه ای استفاده گردید. نمونه آماری پژوهش شامل ۲۵۲ نفر بوده است. نتایج نشان می دهد که تفاوت ارزیابی ریسک قلب بین مدل های دیاموند و مثلث قلب، پنتاگون و مثلث قلب، و همچنین پنتاگون و دیاموند قلب معنادار است. از آنجایی که پژوهش حاضر با توجه به محیط ایران انجام شده است، می توان گفت استفاده از مدل پنتاگون قلب می تواند منجر به ارزیابی مناسب تری از ریسک قلب شود. لذا پیشنهاد می شود حسابرسان در رسیدگی های خود، فرآیند ارزیابی ریسک قلب را با توجه به مدل پنتاگون قلب انجام دهند.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک قلب، مدل پنتاگون قلب، مدل دیاموند قلب، مدل مثلث قلب.

^۱دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)،
masoudtaheri99@yahoo.com

۱-مقدمه

با توجه به اینکه امروزه افراد بسیاری از اطلاعات صورت‌های مالی جهت تصمیم‌گیری خود استفاده می‌کنند، باید از قابلیت اتکای این اطلاعات اطمینان حاصل کنند. برای کسب اطمینان، سهامداران و سرمایه‌گذاران به صورت گسترده‌ای به گزارش‌های حسابرسان اتکا می‌کنند چرا که حسابرسان در راستای حفاظت از منافع استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی عمل می‌کنند (مک انرو و مارتنز، ۲۰۰۱؛ عبدالخلیل، ۲۰۰۲؛ پینگ، ۲۰۰۷؛ آرل و همکاران، ۲۰۱۲). استفاده‌کنندگان ارزش و اهمیت زیادی برای کیفیت، شفافیت و اعتمادپذیری صورت‌های مالی قائل هستند. چنانچه این صورت‌ها صحیح و با کیفیت باشند، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری بهبود می‌یابد و در نتیجه فرآیند تخصیص منابع در اقتصاد بهینه می‌شود. از سوی دیگر اطلاعات گمراه‌کننده به تصمیم‌گیری‌های نادرست و اتلاف منابع منجر خواهد شد. یکی از عوامل مؤثر در کاهش اعتمادپذیری گزارش‌ها و صورت‌های مالی پدیده تقلب است که موجب افزایش ریسک و هزینه کسب و کار شده، اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش داده و اعتبار و درستکاری حرفه حسابداری و حسابرسی را زیر سؤال می‌برد. ارزیابی ریسک تقلب یک بخش مهم و حیاتی از فرآیند حسابرسی می‌باشد و یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که حسابرسان با آن مواجه هستند (ویلکس و زیمبلن، ۲۰۰۴؛ کارپنتر، ۲۰۰۷؛ کارسلو و هرمانسون، ۲۰۰۸؛ هوگان و همکاران، ۲۰۰۸؛ هامرسلو و همکاران، ۲۰۱۱؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ ترامپیترو و همکاران، ۲۰۱۳).

عدم کشف تقلب مدیریت، باعث می‌شود تا اعتبار حسابرسان آسیب ببیند، لذا حسابرسان باید سعی کنند تا ارزیابی خود از تقلب مدیریت را بهتر انجام دهند و برای این منظور از ابزار مناسب استفاده نمایند. مدلی که برای ارزیابی ریسک تقلب به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است، مدل مثلث تقلب^۱ (کرسی، ۱۹۷۳) می‌باشد. با این حال، پژوهشگران با بررسی تقلب‌های صورت گرفته به این نتیجه رسیده‌اند که مدل مثلث تقلب، همه جنبه‌های مورد نیاز برای ارزیابی ریسک تقلب را در بر نمی‌گیرد. این شرایط باعث شده است تا مدل‌های دیگری به نام مدل دیاموند تقلب^۲ (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴) و مدل پنتاگون تقلب^۳ (کروهرواوت، ۲۰۱۱) ارائه شود. پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در زمینه تقلب، مبتنی بر مدل مثلث تقلب بوده و از مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب، پژوهشی به مقایسه مدل‌های تقلب مذکور نپرداخته است. ارزیابی ریسک تقلب یکی از مهمترین فرآیندهای حسابرسی می‌باشد زیرا مبنایی را برای طراحی

¹ Fraud Triangle Model

² Fraud Diamond Model

³ Fraud Pentagon Model

برنامه حسابرسی فراهم می‌آورد. در ارزیابی ریسک تقلب توجه به ویژگی‌های فردی بسیار مهم می‌باشد، لذا حسابرسان باید در ارزیابی ریسک خود توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های فردی داشته باشند. این در حالی است که استاندارد حسابرسی مربوط به تقلب در ایران مبتنی بر مدل مثلث تقلب بوده و در آن اشاره‌ای به ابعاد توانایی و غرور نشده است. از این رو، اگر حسابرسان ابعاد و جنبه‌های مختلف تقلب را در ارزیابی خود در نظر نگیرند، ارزیابی و قضاوت آن‌ها از ریسک تقلب تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

در ادامه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود. در نهایت نیز نتیجه‌گیری و پیوست‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

■ تعریف تقلب

در مورد تقلب تعاریف متعددی وجود دارد که می‌توان وجه اشتراک آن‌ها را عمدی بودن اقدام-هایی به منظور فریب دیگران برای رسیدن به منفعت و هدف خاص دانست. بر اساس استاندارد حسابرسی ایران (استاندارد حسابرسی ۲۴۰: مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی، ۱۳۹۴) تقلب عبارت است از هرگونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان راهبری، کارکنان، یا اشخاص ثالث، که متضمن فریبکاری برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیر قانونی است. رضایی (۲۰۰۵) تقلب را شامل هرگونه اقدام عمدی توسط شرکت برای فریب دادن یا گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به خصوص سرمایه-گذاران و اعتباردهندگان از طریق تهیه و انتشار صورت‌های مالی گمراه کننده بیان می‌کند. استاندارد حسابرسی استرالیا^۱ (۲۰۰۴) تقلب را عمل عمدی یک یا چند نفر از جمله مدیریت، کارکنان و اشخاص ثالث که شامل استفاده از فریب برای به دست آوردن مزیت غیر عادلانه و یا غیر قانونی است، تعریف می‌کند.

■ توسعه و بهبود مدل‌های تقلب

■ مدل مثلث تقلب

مدل مثلث تقلب توسط کرسی (۱۹۷۳) مطرح گردید. تمرکز او بر شرایطی بود که باعث می‌شود تا افراد درگیر فعالیت‌های متقلبانه و غیر اخلاقی گردند. مثلث تقلب مدلی را برای شناسایی

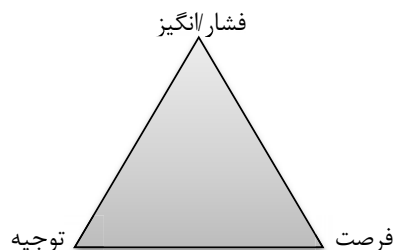
¹ Australian Auditing Standards

عوامل انجام تقلب فراهم می‌آورد. این عوامل عبارتند از: (۱) فشار/انگیزه (۲) فرصت^۲ (۳) توجیه سازی^۳.

فشار/انگیزه: به انگیزه شخصی برای انجام تقلب اشاره دارد. انگیزه‌های فراوانی برای انجام تقلب وجود دارد که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به انگیزه‌های مالی و شغلی اشاره نمود. فرصت: وضعیت و یا موقعیتی است که به فرد اجازه انجام تقلب و پنهان کردن آن را می‌دهد. برای مثال نبود تفکیک وظایف مناسب و یا انجام دو مسئولیت توسط یک فرد، می‌تواند فرصت انجام تقلب را فراهم آورد.

توجیه سازی: بیانگر این موضوع است که وقتی افراد مرتکب تقلب می‌شوند، برای خود و دیگران یک بهانه و یا توجیه می‌آورند تا کار خود را موجه جلوه دهند. بی اهمیت نشان دادن تقلب خود برای سازمان از جمله این موارد است (داگلاس و همکاران، ۲۰۱۵). شکل ۱ مدل مثلث تقلب را نشان می‌دهد.

شکل ۱: مدل مثلث تقلب (داگلاس و همکاران، ۲۰۱۵: ۳)



ادبیات تقلب موجود در حسابداری برای درک علل وقوع تقلب و همچنین ارزیابی عوامل ریسک تقلب، به صورت گسترده‌ای بر مدل مثلث تقلب تمرکز دارد. با این وجود، پژوهشگران کامل بودن مدل مثلث تقلب را از نظر شامل شدن ابعاد مختلف انجام تقلب مورد تردید قرار داده‌اند (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴؛ کروهورواث، ۲۰۱۱؛ دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاسم و هیگسون، ۲۰۱۲) و معتقدند که این مدل ناقص می‌باشد. این ناقص بودن می‌تواند ارزیابی حسابرسان از عوامل ریسک تقلب را تحت تاثیر قرار دهد. به خصوص ادبیات تقلب بر این موضوع اشاره دارد که مدل مثلث تقلب در هنگام در نظر گرفتن ویژگی‌های (خصوصیات) یک فرد که تقلب انجام می‌دهد، کامل نیست. این شرایط منجر به ارائه مدل‌های دیگری به نام مدل دیاموند تقلب (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴) و مدل پنتاگون تقلب (کروهورواث، ۲۰۱۱) گردید.

¹ Pressure

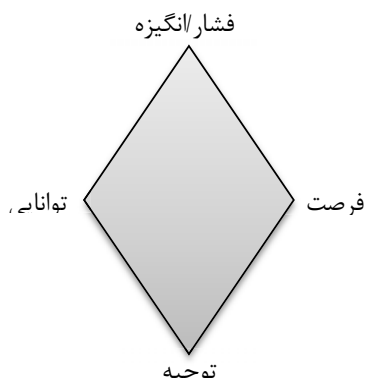
² Opportunity

³ Rationalization

■ مدل دیاموند تقلب

مدل دیاموند تقلب توسط ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) مطرح گردید. این مدل، بعد توانایی^۱ را به عنوان عامل چهارم به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند. آن‌ها بر این عقیده هستند که داشتن توانایی های لازم برای انجام تقلب یکی از مهمترین عوامل ارتکاب تقلب می‌باشد. آن‌ها برای بعد توانایی نشانه‌هایی از قبیل توانایی شناسایی ضعف موجود در سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی، توانایی استفاده از ضعف موجود در سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی، اعتماد به داشتن توانایی برای جلوگیری از شناسایی شدن تقلب و توانایی وادار کردن دیگران به انجام تقلب را مطرح می‌کنند. سایر ابعاد این مدل، مشابه مدل مثلث تقلب می‌باشد. شکل ۲ این مدل را نشان می‌دهد.

شکل ۲: مدل دیاموند تقلب (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴: ۳۸)



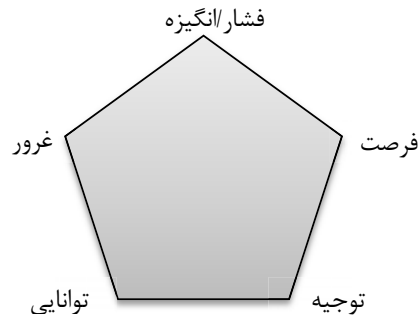
■ مدل پنتاگون تقلب

مدل پنتاگون تقلب (۲۰۱۱) بسطی از مدل مثلث تقلب (کرسی، ۱۹۷۳) می‌باشد. این مدل توسط جاناتان مارک ایجاد گردید. مطابق با محیط تجاری امروزی، مدل پنتاگون تقلب دو بعد دیگر را به مدل مثلث تقلب افزود که غرور^۲ و توانایی هستند. غرور (خود بزرگ بینی - تکبر) یا نبود وجدان را می‌توان نگرشی مبتنی بر برتری طلبی و محق بودن یا طمع از طرف فردی دانست که به سادگی معتقد است کنترل‌های داخلی در رابطه با شخص وی مصداق ندارد. مفهوم توانایی به شکل مشابهی در مدل دیاموند تقلب (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴) تعریف می‌شود. شکل ۳ این مدل را نشان می‌دهد.

¹ Capability

² Arrogance

شکل ۳: مدل پنتاگون تقلب (کروه‌ورواث، ۲۰۱۱: ۳)



■ ■ مدل‌های تقلب و ارزیابی ریسک تقلب

ادبیات موجود (داولینگ و لیچ، ۲۰۰۷؛ نلسون و تان، ۲۰۰۵؛ نلسون، ۲۰۰۹) به توصیف مزایای مختلف ابزارهای کمکی مورد استفاده حسابرسان می‌پردازند. بونر و همکاران (۱۹۹۶) به این موضوع اشاره می‌کنند که توسعه ابزارها و مدل‌های مورد استفاده حسابرسان، عدم تناسب بین وظیفه قضاوت حسابرسان و طریقه‌ای که دانش و آگاهی در ذهن آن‌ها سازمان می‌یابد را کاهش می‌دهد. داولینگ و لیچ (۲۰۰۷) با شرکا و مدیران حسابرسی به مصاحبه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ابزارهای کمکی مورد استفاده حسابرسان کیفیت حسابرسی، مدیریت ریسک و مستند سازی را بهبود می‌بخشد و کارایی حسابرسی را بالا می‌برد.

پژوهشگرانی همچون بل و کارسلو (۲۰۰۰)، آپوستلو و همکاران (۲۰۰۱) و ترامپتر و همکاران (۲۰۱۳) با بیان اینکه ویژگی‌های فردی مدیران منعکس کننده یک عامل مهم و عمده ریسک تقلب می‌باشد، ادبیات مربوط به تقلب را توسعه داده‌اند. داگلاس و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که استفاده از مدل دیاموند تقلب نسبت به مثلث تقلب، به ارزیابی جامع تری از ریسک تقلب منجر می‌شود. در ارتباط با مدیران، ادبیات موجود به بیان مشارکت متناوب آن‌ها در انجام تقلب (بیسلی و همکاران، ۲۰۱۰) و همچنین فشارهای وارده از سوی آن‌ها بر زیردستان برای انجام تقلب پرداخته است (فنگ و همکاران، ۲۰۱۱). تمرکز مشخص مدل دیاموند تقلب و همچنین مدل پنتاگون تقلب بر ویژگی‌های فردی مدیران باعث می‌شود تا این مدل‌ها عوامل ریسک تقلب مربوط به این مورد (ویژگی‌های فردی) را نیز در نظر بگیرند، که در نتیجه این موضوع باعث خواهد شد این مدل‌ها ارزیابی بهتری از ریسک تقلب داشته باشند. بر این اساس، ارزیابی ویژگی‌های فردی مدیران می‌تواند حسابرسان را در شناسایی و واکنش مناسب نسبت به ریسک تقلب یاری برساند زیرا ویژگی‌های فردی در انجام تقلب، عامل برجسته‌ای است و زمانی که حسابرسان

ریسک تقلب را ارزیابی می کنند، وزن بالایی دارد (هامرسلی، ۲۰۱۱؛ کروهورواث، ۲۰۱۱). از این رو وقتی که ویژگی های فردی در ارزیابی ریسک تقلب در نظر گرفته نشود، همان طور که در مثلث تقلب وجود ندارد، احتمال کمتری وجود دارد که حسابرسان عوامل ریسک تقلب مربوط به ویژگی های فردی را به طور کامل در نظر بگیرند، که این موضوع خود منجر به ارزیابی ریسک تقلب پایین تر می شود (داگلاس و همکاران، ۲۰۱۵).

ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) می گویند فرصت راه را برای انجام تقلب باز می گذارد، انگیزه و توجیه سازی فرد را به سوی انجام تقلب سوق می دهد، اما شخص باید در درجه اول توانایی شناسایی فرصت و در درجه دوم توانایی استفاده از آن فرصت را داشته باشد. ماکویسیوس و گریوناس (۲۰۱۳) بیان می کنند که افراد صرفا با داشتن انگیزه و فرصت، تقلب انجام نمی دهند، مگر آنکه توانایی انجام آن را نیز داشته باشند. زاکی (۲۰۱۷) نشان داد که در کشور مصر بین مدل های مثلث و دیاموند تقلب در ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی، تفاوت معناداری وجود دارد و مدل دیاموند تقلب اطلاعات مربوط بیشتری را در اختیار قرار می دهد. وی مدل دیاموند تقلب را مدل مناسب تری برای ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی در این کشور می داند. حسابرسان باید توانایی های خود را برای تشخیص و بررسی بعد توانایی و نشانه های آن ارتقا دهند. آن ها باید در ابتدا ریسک بعد توانایی را ارزیابی کنند، سپس نسبت به ریسک ارزیابی شده واکنش مناسبی نشان دهند، و در نهایت، مجددا ریسک این بعد را مورد ارزیابی قرار دهند (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴).

مارک (۲۰۱۱) بیان می کند که ۷۰ درصد از تقلب ها به دلیل انگیزه و غرور صورت گرفته است. همچنین باید به این نکته توجه شود که بسیاری از تقلب ها بدون توجه به منافع اقتصادی، بلکه تنها به دلیل غرور صورت می گیرد. رحمان و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که در نظر گرفتن هر پنج بعد مدل پنتاگون تقلب، از جمله ابعاد توانایی و غرور، بر شناسایی تقلب صورت های مالی تاثیر دارد. آپریلیانا و آگوستین (۲۰۱۷) بیان می کنند که غرور مدیر عامل بر وقوع گزارشگری مالی متقلبانه تاثیر دارد.

در ادامه به پژوهش های پیشین خارجی و داخلی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر پرداخته می شود:

راکمانا (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر ابعاد مدل پنتاگون تقلب بر تقلب صورت های مالی پرداخت. علاوه بر این، تاثیر تقلب بر ارزش شرکت نیز مورد بررسی قرار گرفت. نمونه این پژوهش شامل ۶۶ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس سهام اندونزی در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ بوده است. در این پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. نتایج نشان داد که به غیر از

بعد تقلب توجیه سازی، سایر ابعاد تقلب یعنی فشار، فرصت، توانایی و غرور بر انجام تقلب صورت-های مالی تاثیر معنادار دارد و وقوع تقلب باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود.

زاکی (۲۰۱۷) به بررسی تفاوت بین مدل‌های مثلث و دیاموند تقلب در ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی در کشور مصر پرداخت. نمونه این پژوهش شامل ۱۰۰ شرکت بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین این دو مدل در ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی، تفاوت معناداری وجود دارد و مدل دیاموند تقلب اطلاعات مربوط بیشتری را در اختیار قرار می‌دهد. وی مدل دیاموند تقلب را مدل مناسب‌تری برای ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی در این کشور می‌داند.

فورتوینگر (۲۰۱۶) به بررسی این موضوع پرداخت که آیا رویکرد بررسی و ارزیابی ریسک تقلب ابعاد مدل مثلث تقلب و نشانه‌های آن‌ها به صورت جداگانه می‌تواند منجر به بهبود ارزیابی ریسک تقلب شود یا خیر. او معتقد بود که این رویکرد می‌تواند اطلاعات بیشتری را در اختیار حسابرس قرار دهد و به این صورت ارزیابی ریسک تقلب را بهبود بخشد. این پژوهشگر برای انجام این پژوهش از افته استفاده کرد. نمونه این پژوهش شامل پنجاه و پنج حسابرس مستقل بوده است. نتایج نشان داد که استفاده از این رویکرد به طور معناداری توانایی حسابرسان را در ارزیابی ریسک تقلب بالا می‌برد.

داگلاس و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر استفاده از مدل مثلث تقلب و مدل دیاموند تقلب بر ارزیابی ریسک تقلب حسابرسان مستقل پرداختند. نمونه آن‌ها شامل ۸۹ حسابرس مستقل بود و برای انجام پژوهش از افته استفاده گردید. در این پژوهش نمونه به دو گروه تقسیم شده و از یک گروه خواسته شد که با استفاده از مدل مثلث تقلب، و از گروه دیگر خواسته شد که با استفاده از مدل دیاموند تقلب به ارزیابی ریسک تقلب بپردازند. نتایج حاکی از آن بود که حسابرسانی که با استفاده از مدل دیاموند تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پرداخته بودند، نسبت به حسابرسانی که با استفاده از مدل مثلث تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پرداخته بودند، به طور معناداری ریسک را بیشتر برآورد کرده بودند.

مارچسی (۲۰۱۳) به بررسی تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین دو گروه حسابرس مستقل پرداخت. گروه اول حسابرسانی که عوامل ریسک تقلب را جداگانه مورد توجه قرار داده و به ارزیابی ریسک تقلب می‌پردازند، و گروه دوم حسابرسانی که ریسک تقلب را به صورت یکجا و کلی ارزیابی می‌کنند. نمونه این پژوهش شامل ۶۰ حسابرس بوده است. برای انجام این پژوهش از افته استفاده گردید. نتایج حاکی از آن بود که حسابرسان گروه اول نسبت به حسابرسان گروه دوم ریسک تقلب را به طور معناداری بیشتر ارزیابی می‌کنند. همچنین نتایج بیانگر آن بود که

حسابرسان گروه اول نسبت به حسابران گروه دوم، در واکنش به ارزیابی ریسک تقلب بیشتر، برنامه حسابرسی را به طور معناداری بیشتر تعدیل می کنند.

بینتی و حصری (۲۰۱۰) با استفاده از مدل دیاموند تقلب به بررسی اهمیت نشانه های تقلب پرداختند. در این پژوهش نظرات سه دسته از حسابرسان مورد بررسی قرار گرفت که عبارت بودند از: حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی و حسابرسان دولتی. نمونه آن ها شامل ۱۳۵ حسابرس بود. به حسابرسان مذکور لیستی شامل ۶۴ نشانه تقلب داده شد و از آن ها درخواست گردید که آن نشانه ها را اولویت بندی کنند. نتایج برای پنج اولویت اول نشانه های تقلب بیان گردید. ترکیب این پنج نشانه تقلب از نظر ابعاد تقلب به این صورت بود که از نظر حسابرسان مستقل سه نشانه توانایی و دو نشانه فرصت، از نظر حسابرسان داخلی پنج نشانه فرصت، و از نظر حسابرسان دولتی یک نشانه توانایی و چهار نشانه فرصت در اولویت قرار گرفتند.

پژوهش های مختلفی در ایران در ارتباط با تقلب صورت گرفته است. اما هیچ یک از این پژوهش ها به مقایسه مدل های تقلب نپرداخته است. در ادامه برخی از پژوهش های داخلی مرتبط با تقلب بیان می شود.

دیانتی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به ارائه یک برنامه درسی آموزشی در زمینه مباحث ضد تقلب و حسابداری دادگاهی (قضایی) پرداختند که بتواند مبنایی برای تدریس مباحث مذکور در مراکز آموزشی و دانشگاهی، سازمان های دولتی و خصوصی، کارشناسان رسمی دادگستری و سایر نهادهای مرتبط باشد. در برنامه درسی ارائه شده در این پژوهش که ماحصل بیش از یک سال و نیم تحقیق به روش فراسنتز روی برنامه درسی مراکز آموزشی و دانشگاهی دارای این رشته تحصیلی در جهان، مقالات و کتب منتشره در این خصوص است، ۳۲ واحد (شامل ۱۱ واحد تخصصی، ۱۱ واحد پایه، ۶ واحد اختیاری و ۴ واحد پایان نامه) در نظر گرفته شده است. برنامه درسی ارائه شده، از طریق پرسشنامه توزیع شده بین ۳۹ خبره دارای دانش لازم در زمینه حسابداری قضایی (دادگاهی) و ضد تقلب بررسی گردید. نتایج آزمون t تک نمونه ای نشان داد که مطابق نظر خبرگان مذکور، برنامه درسی ارائه شده دانش و مهارت لازم برای حسابداری دادگاهی را به دانشجویان این رشته منتقل می کند و از جامعیت لازم برخوردار می باشد.

بنی مهد و گل محمدی (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر جو اخلاقی بر هشداردهی در مورد تقلب میان ۳۳۰ نفر از حسابرسان شاغل در موسسات خصوصی حسابرسی و سازمان حسابرسی پرداختند. داده های این پژوهش از طریق پرسشنامه جمع آوری شده و با استفاده از معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که جو اخلاقی بر هشداردهی و دو مولفه از سه مولفه آن تاثیرگذار است. دو مولفه ای که تحت تاثیر جو اخلاقی قرار دارند شامل برداشت حسابرسان از مسئولیت فردی در قبال هشداردهی و برداشت حسابرسان از عواقب عمل

هشداردهی در مورد تقلب می‌باشد و مولفه‌ای که تحت تاثیر جو اخلاقی قرار نمی‌گیرد، برداشت حسابرسان از هزینه‌های مربوط به هشداردهی در مورد تقلب می‌باشد.

دیانتی (۱۳۹۶) به ارائه راهنمای تدوین برنامه درسی برای تعلیم و تربیت حسابداران متخصص در زمینه مباحث قضایی و تقلب پرداخت. او هدف پژوهش خود را ارائه یک برنامه درسی آموزشی در زمینه مباحث تقلب و حسابداری دادگاهی (قضایی) برای کمک به مراکز آموزشی و دانشگاهی، سازمان‌های دولتی و خصوصی، کارشناسان، اعضای هیات علمی و دانشجویان آینده نگر بیان می‌کند که علاقمند به گسترش توانایی‌های حرفه‌ای و مهارت‌هایشان در این عرصه نوظهور رو به ترقی از علم حسابداری می‌باشند. در این پژوهش، ماحصل کار انجام شده در دانشگاه ویرجینیای غربی به عنوان راهنمایی برای تدوین سرفصل‌های برنامه درسی آموزش حسابداران متخصص در زمینه مباحث قضایی و تقلب ارائه شد. این راهنما، می‌تواند مورد استفاده دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و نهادهای حرفه‌ای (تحت عنوان بخشی از برنامه آموزش مستمر) قرار گیرد.

خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۶) تاثیر متغیرهای حسابرسی بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش از متغیرهای حسابرسی اندازه حسابرس، دوره تصدی حسابرس و تغییر حسابرس استفاده گردید و شرکت‌های با احتمال وقوع تقلب مطابق با علائم خطر مورد اشاره در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان "مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی" و با به کارگیری تکنیک‌های داده کاوی مشخص شدند. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ و نمونه انتخابی شامل ۱۸۲ شرکت بوده است. نتایج حاکی از آن بود که بین اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس با احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد.

یزدانی (۱۳۹۵) به شناسایی مهمترین عوامل موثر در بروز تقلب صورت‌های مالی و رتبه‌بندی اهمیت نسبی هر یک از این عوامل بر اساس مدل مثلث تقلب پرداخت. در این پژوهش از تعداد ۶۰ شاخص تقلب شناسایی شده، ۳۷ شاخص حذف شده و ۲۳ شاخص از نظر کارشناسان برای ارزیابی خطر تقلب مناسب تشخیص داده شدند. برای تعیین اهمیت نسبی هر یک از عوامل نیز از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که مهمترین بعد فشار و کم اهمیت‌ترین بعد توجیه عقلانی است. به علاوه پنج عامل مهم بروز تقلب صورت‌های مالی، تعویض مدیران ارشد، معاملات با اشخاص وابسته، دستکاری سود، بحران مالی و نیاز به تامین مالی می‌باشد.

انصاری و کمالی کرمانی (۱۳۹۱) عوامل موثر بر تصمیم حسابرس جهت استفاده از ابزار کمی تصمیم‌گیری در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری پژوهش آن‌ها شامل حسابرسان مستقل شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی خصوصی در

دو استان تهران و اصفهان بوده که در نهایت ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. چهار عامل سودمند دانستن ابزار کمکی، اندازه شرکت صاحبکار، اعتماد به توانایی در ارزیابی ریسک تقلب و فشار حرفه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که عوامل سودمندی، اندازه و اعتماد به توانایی بر استفاده از ابزار کمکی تصمیم‌گیری موثر می‌باشند اما فشار حرفه بر استفاده از ابزار کمکی تاثیر ندارد.

با توجه به پیشینه‌های پژوهش داخلی بیان شده، می‌توان گفت پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در زمینه تقلب، مبتنی بر مدل مثلث تقلب بوده و از مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب استفاده نشده است. با توجه به این موضوع، تاکنون پژوهشی به مقایسه مدل‌های تقلب مذکور نپرداخته است. در پژوهش خارجی از مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب استفاده شده است. با این وجود، تاکنون پژوهش‌های خارجی نیز به مقایسه سه مدل تقلب با یکدیگر نپرداخته‌اند. عدم توجه به ابعاد توانایی و غرور می‌تواند حساب‌برسان را در ارزیابی مناسب ریسک تقلب و طراحی برنامه حسابرسی متناسب با آن ریسک، بازدارد. علاوه بر این، استاندارد حسابرسی مربوط به تقلب در ایران مبتنی بر مدل مثلث تقلب می‌باشد و در آن اشاره‌ای به ابعاد توانایی و غرور نشده است. لذا پژوهش حاضر به دنبال مقایسه استفاده از مدل‌های مثلث تقلب، دیاموند تقلب و پنتاگون تقلب در ارزیابی ریسک تقلب با توجه به محیط ایران در جهت کمک به حساب‌برسان در انجام وظایف ارزیابی ریسک تقلب و بهبود استاندارد حسابرسی مربوط به تقلب می‌باشد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

همانطور که بیان شد در این پژوهش به مقایسه مدل‌های تقلب در ارزیابی ریسک تقلب پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر تمامی مقایسه‌های ممکن بین مدل‌های تقلب هم در محیط‌های با ریسک پایین و هم در محیط‌های با ریسک بالا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. علاوه بر این، به بررسی تفاوت اثر مدل‌های تقلب بر ارزیابی ریسک تقلب در محیط‌های با ریسک بالا و محیط‌های با ریسک پایین نیز پرداخته می‌شود. هدف از این بررسی مشخص شدن این موضوع است که آیا افزایش سطح ریسک منجر به بیشتر شدن تفاوت بین مدل‌ها می‌شود یا خیر. از این رو، فرضیه‌های پژوهش به سه دسته به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

(۱) مقایسه مدل‌های تقلب در ارزیابی ریسک در محیط‌های با ریسک پایین

فرضیه اول: در محیط‌های کم ریسک، تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های دیاموند تقلب و مثلث تقلب معنادار است.

فرضیه دوم: در محیط‌های کم ریسک، تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های پنتاگون تقلب و مثلث تقلب معنادار است.

فرضیه سوم: در محیط‌های کم ریسک، تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های پنتاگون تقلب و دیاموند تقلب معنادار است.

۲) مقایسه مدل‌های تقلب در ارزیابی ریسک در محیط‌های با ریسک بالا

فرضیه چهارم: در محیط‌های پر ریسک، تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های دیاموند تقلب و مثلث تقلب معنادار است.

فرضیه پنجم: در محیط‌های پر ریسک، تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های پنتاگون تقلب و مثلث تقلب معنادار است.

فرضیه ششم: در محیط‌های پر ریسک، تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های پنتاگون تقلب و دیاموند تقلب معنادار است.

۳) تفاوت اثر مدل‌های تقلب بر ارزیابی ریسک در محیط‌های با ریسک بالا و محیط‌های با ریسک پایین

فرضیه هفتم: تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های دیاموند تقلب و مثلث تقلب در محیط‌های پر ریسک، نسبت به محیط‌های کم ریسک، معنادار است.

فرضیه هشتم: تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های پنتاگون تقلب و مثلث تقلب در محیط‌های پر ریسک، نسبت به محیط‌های کم ریسک، معنادار است.

فرضیه نهم: تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های پنتاگون تقلب و دیاموند تقلب در محیط‌های پر ریسک، نسبت به محیط‌های کم ریسک، معنادار است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای بررسی تاثیر مدل‌های تقلب بر ارزیابی ریسک تقلب از افته استفاده شده است. این افته از طریق مطالعه استاندارد حسابرسی، مبانی نظری، ادبیات پژوهش و انجام مصاحبه با افراد خبره در این زمینه طراحی گردیده است. روش کار به این صورت بود که استاندارد حسابرسی ایران در ارتباط با تقلب (استاندارد حسابرسی ۲۴۰: مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی، ۱۳۹۴) به دقت مورد بررسی قرار گرفته و نشانه‌های تقلب بیان شده در این استاندارد استخراج گردیدند مثل کمبود نقدینگی، وجود ضعف در کنترل‌های داخلی و نبود سیستم‌های اطلاعاتی مناسب. می‌توان بیان کرد که استاندارد حسابرسی مربوط به تقلب ایران، در بیان ابعاد تقلب مبتنی بر مدل مثلث تقلب می‌باشد و در آن اشاره‌ای به ابعاد توانایی و غرور نشده است. با توجه به این موضوع، مبانی نظری و ادبیات خارجی مورد مطالعه

قرار گرفتند و نشانه‌های مربوط به ابعاد توانایی و غرور (علاوه بر ابعاد انگیزه، فرصت و توجیه سازی) استخراج گردیدند.

پس از طی مراحل فوق و استخراج نشانه‌های قلب، نوبت به انجام مصاحبه با افراد خبره رسید. در مجموع با ۹ خبره مصاحبه صورت گرفت. نفر اول برای انجام مصاحبه به صورت قضاوتی توسط پژوهشگران انتخاب گردید. سپس به ترتیب از هر مصاحبه شونده درخواست می‌گردید تا نفر بعدی را معرفی کند. در این پژوهش، خبرگان از اعضای هیأت علمی دانشگاه و شرکای موسسات حسابرسی بودند. انجام مصاحبه با افراد خبره بخش مهمی از فرآیند انجام پژوهش، به خصوص طراحی موردهای تجربی بوده است. زیرا پس از استخراج نشانه‌های قلب، آن نشانه‌ها با افراد خبره مورد بررسی قرار گرفتند و اینکه کدام نشانه‌های قلب در موردهای تجربی گنجانده شوند، از طریق مصاحبه با افراد خبره انتخاب گردیدند. به خصوص، نقش افراد خبره در انتخاب نشانه‌های قلب مربوط به ابعاد توانایی و غرور پر رنگ می‌باشد، زیرا همان طور که بیان شد می‌توان گفت که استاندارد حسابرسی مربوط به قلب ایران مبتنی بر مثلث قلب می‌باشد و در آن اشاره‌ای به ابعاد توانایی و غرور نشده است. پس از طی مراحل مذکور، نشانه‌های ابعاد مختلف مدل‌های قلب در دسترس قرار گرفتند و با توجه به نشانه‌های مذکور، موردهای تجربی تهیه گردیدند. از آنجایی که افته‌ها در هر دو سطح محیط‌های با ریسک بالا و محیط‌های با ریسک پایین تهیه شده‌اند، نشانه‌های قلب در آن‌ها دستکاری^۱ شده‌اند تا افته‌هایی متناسب با محیط‌های با ریسک بالا و محیط‌های با ریسک پایین طراحی گردند. موردهای تجربی پس از طراحی اولیه در اختیار افراد خبره قرار داده شدند تا این افراد نظرات خود را درباره آن‌ها بیان کنند.

پس از دریافت نظرات، اصلاحات مورد نظر افراد خبره انجام گرفته و به این صورت موردهای تجربی طراحی نهایی گردیدند. افته مورد استفاده در این پژوهش شامل بخش‌های معرفی شرکت، صنعت و رقابت، مدیریت و راهبری، عملکرد مالی و کنترل‌های داخلی می‌باشد و در آن از هر یک از پنج بعد قلب فشار/انگیزه، فرصت، توجیه سازی، توانایی و غرور، شش نشانه قلب وجود دارد. در بخش پیوست مقاله حاضر، در ابتدا افته با ریسک پایین ارائه شده است. از این افته برای مقایسه مدل‌های قلب در محیط‌های با ریسک پایین استفاده شده است. سپس، افته با ریسک بالا که برای مقایسه مدل‌های قلب در محیط‌های با ریسک بالا مورد استفاده قرار گرفته است، ارائه گردیده است. در ادامه نیز پرسشنامه همراه با افته ارائه شده است. این پرسشنامه همراه با هر دو افته در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت و برای اجتناب از تکرار، یک بار در پیوست ارائه شده است. در موردهای تجربی از حسابرسان خواسته شد تا میزان ریسک هر یک از نشانه‌های

¹ Manipulate

تقلب را با عددی بین صفر تا صد مشخص کنند. برای اندازه‌گیری متغیر ارزیابی ریسک تقلب هر یک از اعضای نمونه، از میانگین اعداد اختصاص داده شده به هر یک از نشانه‌های تقلب همان عضو استفاده شده است.

به‌منظور تعیین استفاده از آزمون‌های پارامتریک یا ناپارامتریک، ابتدا باید نرمال بودن متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید. در این آزمون، اگر سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ باشد، به معنی این است که داده‌ها نرمال هستند. اگر داده‌ها نرمال باشند، امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد و در غیر این صورت باید از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده گردد. با توجه به جدول ۴ و نرمال بودن داده‌ها، از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. این آزمون، پژوهشگر را در فهم تفاوت بین گروه‌ها یاری می‌کند. در تحلیل واریانس فرض صفر بیان‌کننده تساوی میانگین‌های مورد مقایسه می‌باشد و فرضیه مقابل بیان می‌کند که حداقل میانگین دو گروه از جامعه‌های مورد بررسی متفاوت می‌باشند. تحلیل واریانس فقط مشخص می‌کند که بین میانگین‌ها تفاوت وجود دارد اما نمی‌تواند مشخص کند که کدام گروه و یا گروه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. وقتی نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان‌دهنده این موضوع باشد که حداقل بین دو میانگین از گروه‌های مورد بررسی تفاوت وجود دارد، برای تعیین اینکه بین کدام گروه‌ها تفاوت وجود دارد از آزمون‌های تعقیبی^۱ استفاده می‌شود.

آزمون‌های تعقیبی پس از تحلیل واریانس انجام می‌شوند. این آزمون‌ها به پژوهشگر امکان می‌دهد تا میانگین‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه نماید و علت معنادار بودن مقدار آماره F را در تحلیل واریانس پیدا کند. آزمون‌های تعقیبی در واقع روش‌های کشف محل قرار گرفتن تفاوت یا تفاوت‌های موجود بین میانگین‌ها می‌باشد، تنها شرط لازم برای استفاده از آزمون‌های تعقیبی، معنادار بودن مقدار آماره F مشاهده شده در تحلیل واریانس است و چنانچه آزمون تحلیل واریانس معنادار باشد، این آزمون‌ها این امکان را فراهم می‌آورند تا آزمون‌های متعددی در سطح معناداری تعیین شده، انجام گیرد (فیلد، ۲۰۰۹). آزمون تعقیبی مناسب برای بررسی فرضیه‌های ۱ الی ۶ آزمون تعقیبی توکی^۲ می‌باشد. این آزمون برای مقایسه‌های زوجی میانگین‌ها (تمام حالت‌های ممکن یک به یک میانگین‌ها) به کار می‌رود. اگر هدف مقایسه زوجی میانگین‌های گروه‌های مورد بررسی باشد، آزمون توکی مناسب‌ترین و پرکاربردترین آزمون می‌باشد (مونتگومری، ۲۰۰۷؛ فیلد، ۲۰۰۹). به آزمون ترکیب‌های مختلف از میانگین‌ها، آزمون‌های پیچیده گفته می‌شود. تنها آزمون‌هایی که قادر به بررسی این آزمون‌های پیچیده می‌باشد، آزمون

^۱ Post-Hoc

^۲ Tukey

شفه^۱ است. به عبارت دیگر آزمون شفه آزمونی است که قادر به بررسی تمام ترکیب‌های مختلف از میانگین‌ها می‌باشد (مونتگومری، ۲۰۰۷). با توجه به اینکه آزمون‌های مورد نظر برای فرضیه-های ۷ الی ۹ از نوع آزمون‌های پیچیده می‌باشد، برای بررسی آن‌ها از آزمون شفه استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش، حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی بوده‌اند. بر اساس آخرین آمار (بهار ۱۳۹۷) مندرج در سایت جامعه حسابداران رسمی، تعداد جامعه آماری پژوهش ۱۴۶۲ نفر می‌باشد. با توجه به محدود بودن جامعه، از فرمول کوکران برای تعیین اندازه نمونه استفاده گردید. با توجه به فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۰۴ نفر به دست آمد. با توجه به اینکه حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی شامل سه دسته شاغل شریک، شاغل در استخدام و شاغل در استخدام سازمان حسابرسی می‌باشند، از نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردید. پس از توزیع موردهای تجربی، تعداد ۲۵۲ افته جمع آوری گردیده و نمونه پژوهش را تشکیل داده‌اند. جدول ۱ حجم جامعه و نمونه آماری پژوهش و جدول ۲ درصد بازگشت را نشان می‌دهد.

جدول ۱: حجم جامعه و نمونه آماری پژوهش

نمونه آماری		جامعه آماری		
حجم	طبقه	درصد	حجم	طبقه
$304 \times 66\% = 201$	حسابداران رسمی شریک	۶۶	۹۶۳	حسابداران رسمی شریک
$304 \times 20\% = 61$	حسابداران رسمی در استخدام	۲۰	۲۹۹	حسابداران رسمی در استخدام
$304 \times 14\% = 42$	حسابداران رسمی در استخدام سازمان حسابرسی	۱۴	۲۰۰	حسابداران رسمی در استخدام سازمان حسابرسی
۳۰۴	جمع	۱۰۰	۱۴۶۲	جمع

جدول ۲: درصد بازگشت افته‌ها

طبقه	تعداد ارسال	تعداد دریافت	درصد بازگشت
حسابداران رسمی شریک	۲۰۱	۱۶۳	۸۱
حسابداران رسمی در استخدام	۶۱	۵۴	۸۹
حسابداران رسمی در استخدام سازمان حسابرسی	۴۲	۳۵	۸۳
جمع	۳۰۴	۲۵۲	۸۳

^۱ Scheffe

۵- یافته‌های پژوهش

جدول ۳ آمار توصیفی پژوهش را نشان می‌دهد. این جدول ریسک‌های تقلب ارزیابی شده را به تفکیک مدل مورد استفاده برای ارزیابی ریسک تقلب و همچنین سطح ریسک نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است، در محیط با ریسک پایین، افرادی که از مدل دیاموند تقلب استفاده کرده‌اند، نسبت به افرادی که از مدل مثلث تقلب استفاده کرده‌اند، ریسک تقلب را بیشتر ارزیابی کرده‌اند. همچنین افرادی که با استفاده از مدل پنتاگون تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پرداخته‌اند، نسبت به افرادی که با استفاده از مدل‌های دیاموند تقلب و مثلث تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پرداخته‌اند، ریسک تقلب را بیشتر ارزیابی کرده‌اند. این وضعیت در محیط با ریسک بالا نیز وجود دارد.

جدول ۳: آمار توصیفی پژوهش

سطح ریسک	مدل تقلب	تعداد	میانگین	حداقل	حداکثر
سطح ریسک پایین	مثلث تقلب	۴۲	۲۳/۸۳	۱۸	۲۹
	دیاموند تقلب	۴۲	۲۶/۴۲	۲۱	۳۴
	پنتاگون تقلب	۴۲	۲۸/۸۰	۲۲	۳۷
سطح ریسک بالا	مثلث تقلب	۴۲	۵۱/۱۹	۴۲	۶۰
	دیاموند تقلب	۴۲	۵۶/۱۴	۴۹	۶۴
	پنتاگون تقلب	۴۲	۶۲/۱۶	۵۶	۷۳

جدول ۴ نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف را نشان می‌دهد. سطح معناداری این آزمون برای هر دو محیط ریسک پایین و ریسک بالا، بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا داده‌ها در هر دو سطح ریسک، دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۴: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

سطح ریسک	آماره آزمون	سطح معناداری
محیط‌های با ریسک پایین	۰/۰۷۲	۰/۱۷۸
محیط‌های با ریسک بالا	۰/۰۷۶	۰/۰۷۳

برای مقایسه میانگین‌ها ابتدا آزمون تحلیل واریانس صورت گرفت. نتایج حاصل از این آزمون در محیط‌های با ریسک پایین و بالا به شرح جدول ۵ می‌باشد.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس

سطح ریسک	آماره F	سطح معناداری
محیط‌های با ریسک پایین	۲۰/۶۶۴	۰/۰۰۰
محیط‌های با ریسک بالا	۵۶/۱۱۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۵، سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس در محیط‌های با ریسک پایین کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است که حاکی از آن است که حداقل بین دو میانگین از میانگین‌های ریسک قلب ارزیابی شده در این سطح ریسک با یکدیگر تفاوت معناداری وجود دارد. لذا برای تعیین اینکه بین ریسک قلب ارزیابی شده کدام مدل‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید. جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون توکی برای محیط‌های با ریسک پایین را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون توکی در محیط‌های با ریسک پایین

شماره فرضیه	مدل‌های مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
۱	دیاموند قلب با مثلث قلب	۲/۵۹	۰/۰۰۳
۲	پنتاگون قلب با مثلث قلب	۴/۹۷	۰/۰۰۰
۳	پنتاگون قلب با دیاموند قلب	۲/۳۸	۰/۰۰۷

جدول ۶ نشان می‌دهد که بین ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از مدل دیاموند قلب و مدل مثلث قلب، تفاوت معناداری وجود دارد، زیرا سطح معناداری تفاوت ریسک ارزیابی شده با استفاده از این دو مدل، ۰/۰۰۳ به دست آمده است که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا مدل دیاموند قلب ریسک بیشتری را نسبت به مدل مثلث قلب نشان می‌دهد و فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

در فرضیه دوم به تفاوت ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از مدل‌های پنتاگون قلب و مثلث قلب پرداخته شد. از آنجایی که سطح معناداری حاصل از تفاوت ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از این دو مدل، ۰/۰۰۰ به دست آمده است، می‌توان گفت که بین ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از مدل پنتاگون قلب و مدل مثلث قلب تفاوت معناداری وجود دارد. لذا مدل پنتاگون قلب ریسک بیشتری را نسبت به مدل مثلث قلب نشان می‌دهد و فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

فرضیه سوم ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از مدل پنتاگون قلب و مدل دیاموند قلب را مورد بررسی قرار داد. سطح معناداری حاصل از تفاوت ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از این دو مدل ۰/۰۰۷ می‌باشد و از آنجایی که کوچکتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت تفاوت ریسک قلب ارزیابی شده با استفاده از این دو مدل معنادار بوده است و فرضیه سوم نیز رد نمی‌گردد. لذا مدل پنتاگون قلب ریسک بیشتری را نسبت به مدل دیاموند قلب نشان می‌دهد و فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

همچنین با توجه به جدول ۵، نتیجه حاصل از آزمون تحلیل واریانس در محیط‌های با ریسک بالا نشان می‌دهد که حداقل بین دو میانگین از میانگین‌های ریسک قلب ارزیابی شده در این

سطح ریسک با یکدیگر تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به این موضوع، برای تعیین اینکه بین ریسک ارزیابی شده کدام مدلها تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون توکی برای محیطهای با ریسک بالا به شرح جدول ۷ می باشد.

جدول ۷: نتایج آزمون توکی در محیطهای با ریسک بالا

شماره فرضیه	مدل های مورد مقایسه	تفاوت میانگین ها	سطح معناداری
۱	دیاموند تقلب با مثلث تقلب	۴/۹۵	۰/۰۰۰
۲	پنتاگون تقلب با مثلث تقلب	۱۰/۹۷	۰/۰۰۰
۳	پنتاگون تقلب با دیاموند تقلب	۶/۰۲	۰/۰۰۰

فرضیه چهارم به تفاوت ریسک تقلب ارزیابی شده با استفاده از مدل های دیاموند تقلب و مثلث تقلب پرداخت. سطح معناداری تفاوت ریسک تقلب ارزیابی شده بین این دو مدل ۰/۰۰۰ می باشد که نشان می دهد این تفاوت معنادار است. لذا مدل دیاموند تقلب ریسک بیشتری را نسبت به مدل مثلث تقلب نشان می دهد و فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

جدول ۷ نشان می دهد بین ریسک تقلب ارزیابی شده با استفاده از مدل پنتاگون تقلب و مدل مثلث تقلب، تفاوت معناداری وجود دارد، زیرا سطح معناداری تفاوت ریسک تقلب ارزیابی شده با استفاده از این دو مدل، ۰/۰۰۰ به دست آمده است که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا مدل پنتاگون تقلب ریسک بیشتری را نسبت به مدل مثلث تقلب نشان می دهد و فرضیه پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

همچنین از آنجایی که سطح معناداری تفاوت ریسک تقلب ارزیابی شده با استفاده از دو مدل پنتاگون تقلب و مدل دیاموند تقلب ۰/۰۰۰ به دست آمده است، می توان گفت تفاوت ریسک تقلب ارزیابی شده با استفاده از این دو مدل معنادار می باشد. لذا مدل پنتاگون تقلب ریسک بیشتری را نسبت به مدل دیاموند تقلب نشان می دهد و فرضیه ششم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

در این پژوهش به بررسی تفاوت اثر مدل های تقلب بر ارزیابی ریسک تقلب در محیطهای با ریسک بالا و محیطهای با ریسک پایین نیز پرداخته شد. در فرضیه های ۷، ۸ و ۹ به بررسی تفاوت بیان شده در ارزیابی ریسک تقلب پرداخته شد. جدول ۸ نتایج حاصل را نشان می دهد. با توجه به نتایج، فرضیه هفتم مبنی بر معنادار بودن تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های دیاموند تقلب و مثلث تقلب در محیطهای پر ریسک، نسبت به محیطهای کم ریسک، رد می شود زیرا سطح معناداری تفاوت مذکور بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد.

فرضیه هشتم تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های پنتاگون تقلب و مثلث تقلب در محیط های پر ریسک را نسبت به محیط های کم ریسک مورد بررسی قرار داد. از آنجایی که سطح معناداری این تفاوت ۰/۰۰۰ به دست آمده است، می توان گفت تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های پنتاگون تقلب و مثلث تقلب در محیط های پر ریسک نسبت به محیط های کم ریسک معنادار بوده و فرضیه هشتم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

فرضیه نهم نیز به بررسی تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های پنتاگون تقلب و دیاموند تقلب در محیط های پر ریسک، نسبت به محیط های کم ریسک پرداخت. همان طور که مشخص است سطح معناداری این تفاوت کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، لذا فرضیه نهم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

جدول ۸: نتایج تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های تقلب در محیط های پر ریسک، نسبت به محیط های کم ریسک

شماره فرضیه	شرح	تفاوت	سطح معناداری
۷	تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های دیاموند تقلب و مثلث تقلب در محیط های پر ریسک، نسبت به محیط های کم ریسک	۲/۳۶	۰/۰۷
۸	تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های پنتاگون تقلب و مثلث تقلب در محیط های پر ریسک، نسبت به محیط های کم ریسک	۶	۰/۰۰۰
۹	تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل های پنتاگون تقلب و دیاموند تقلب در محیط های پر ریسک، نسبت به محیط های کم ریسک	۳/۶۴	۰/۰۰۵

با توجه به این نتایج می توان گفت که تفاوت مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل مثلث تقلب با افزایش سطح ریسک، به طور معناداری تغییر نمی کند. با این وجود، ریسک تقلب ارزیابی شده با استفاده از مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل مثلث تقلب، و همچنین مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل دیاموند تقلب، با افزایش سطح ریسک به طور معناداری تفاوت دارد. به عبارتی دیگر می توان گفت که تفاوت بین مدل پنتاگون تقلب با مثلث تقلب، و همچنین مدل پنتاگون تقلب با مدل دیاموند تقلب، هنگامی که سطح ریسک بیشتر می شود، افزایش می یابد. این مطلب بیانگر آن است که ضرورت توجه به خصوصیات فردی در ارزیابی ریسک تقلب، هنگامی که سطح ریسک بیشتر می شود، افزایش می یابد و اگر حسابرسان این موضوع را مورد توجه قرار ندهند، ارزیابی آن ها از ریسک تقلب، بیشتر تحت تاثیر قرار می گیرد.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش به مقایسه مدل‌های تقلب در ارزیابی ریسک تقلب پرداخته شد. مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش، سه مدل مثلث تقلب، دیاموند تقلب و پنتاگون تقلب بودند. برای مقایسه این مدل‌ها، از افته استفاده گردید. افته با استفاده از مطالعه استاندارد حسابرسی، مبانی نظری، ادبیات پژوهش و مصاحبه با افراد خبره طراحی گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که تفاوت ارزیابی ریسک تقلب بین مدل‌های دیاموند و مثلث تقلب، پنتاگون و مثلث تقلب، و همچنین پنتاگون و دیاموند تقلب معنادار است.

مدل مثلث تقلب در برگیرنده ویژگی‌های فردی نیست و تنها سه بعد فشار/انگیزه، فرصت و توجیه‌سازی را در ارزیابی ریسک تقلب در نظر می‌گیرد، این در حالی است که مدل دیاموند و پنتاگون تقلب ویژگی‌های فردی را در ارزیابی ریسک تقلب در نظر می‌گیرند. مدل دیاموند تقلب، بعد توانایی را به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند و مدل پنتاگون تقلب علاوه بر بعد توانایی، بعد غرور را نیز به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند. لذا می‌توان گفت که این دو مدل نسبت به مدل مثلث تقلب بهتر می‌توانند ریسک تقلب را مورد ارزیابی قرار دهند زیرا ویژگی‌های فردی در انجام تقلب عامل بسیار مهمی محسوب می‌شود (هامرسلی، ۲۰۱۱؛ کروهوراوا، ۲۰۱۱).

در مقایسه با پژوهش‌های مشابه داخلی باید گفت که تاکنون پژوهشی در ایران از مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب استفاده نکرده است و لذا پژوهشی به مقایسه مدل‌های تقلب پرداخته است. در مقایسه با پژوهش‌های خارجی می‌توان نتایج این پژوهش را مشابه نتایج پژوهش‌های داگلاس و همکاران (۲۰۱۵)، زاکی (۲۰۱۷)، رحمان و همکاران (۲۰۱۷)، آپریلیانا و آگوستین (۲۰۱۷) و راکمانا (۲۰۱۸) دانست. داگلاس و همکاران (۲۰۱۵) به مقایسه دو مدل مثلث و دیاموند تقلب در ارزیابی ریسک تقلب پرداختند. آن‌ها نشان دادند که مدل دیاموند تقلب، به دلیل در نظر گرفتن بعد توانایی، نسبت به مدل مثلث تقلب ارزیابی بهتری از ریسک تقلب دارد. زاکی (۲۰۱۷) به این نتیجه رسید که مدل دیاموند تقلب اطلاعات مربوط به بیشتری نسبت به مدل مثلث تقلب در اختیار قرار می‌دهد و بین ارزیابی ریسک تقلب این دو مدل تفاوت معناداری وجود دارد. رحمان و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی مدل پنتاگون تقلب به این نتیجه رسیدند که علاوه بر سه بعد مدل مثلث تقلب، ابعاد توانایی و غرور نیز بر شناسایی تقلب صورت‌های مالی تاثیر دارد. آپریلیانا و آگوستین (۲۰۱۷) نشان دادند که بعد غرور بر وقوع گزارشگری مالی متقلبانه تاثیر دارد. راکمانا (۲۰۱۸) نیز با بررسی مدل پنتاگون تقلب نشان داد که ابعاد توانایی و غرور بر انجام تقلب صورت‌های مالی تاثیر معنادار دارد.

در بیان دستاورد کاربردی پژوهش حاضر می‌توان گفت که با توجه به نتایج مشخص گردید که علاوه بر ابعاد مدل مثلث تقلب یعنی انگیزه/فشار، فرصت و توجیه‌سازی، ابعاد توانایی و غرور

معرفی شده در مدل های دیاموند و پنتاگون تقلب، در ارزیابی ریسک تقلب تاثیر بسزایی دارند. افته های مورد استفاده در این پژوهش بر اساس تجربه خبرگان و محیط ایران طراحی گردیدند. این مطلب بیانگر آن است که در ایران ابعاد توانایی و غرور وجود دارند و در ارزیابی ریسک تقلب تاثیرگذار هستند. از این رو، حسابرسان باید در فرآیند ارزیابی ریسک تقلب به ویژگی های شخصی افراد یعنی ابعاد توانایی و غرور توجه داشته باشند.

به کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی پیشنهاد می شود که گنجاندن ابعاد توانایی و غرور را در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان "مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب، در حسابرسی صورتهای مالی" مورد توجه قرار دهد.

به مدیران سازمان حسابرسی و مؤسسه های حسابرسی پیشنهاد می شود تا با برگزاری کلاس های آموزشی زمینه آشنایی حسابرسان را با مدل های دیاموند و پنتاگون تقلب و ابعاد توانایی و غرور فراهم آورند.

در ارتباط با پژوهش های آینده، می توان گفت پژوهش های متنوعی با عناوین مختلف در زمینه تقلب در ایران انجام شده است. پژوهش های انجام شده، مبتنی بر مدل مثلث تقلب بوده اند. با ارائه مدل های دیاموند و پنتاگون تقلب پیشنهاد می شود پژوهش های آتی در این زمینه (شامل پژوهش های جدید و انجام مجدد پژوهش های صورت گرفته) از این مدل ها نیز استفاده کنند. در بیان محدودیت های پژوهش حاضر می توان گفت این امکان وجود دارد که حسابرسان در شرایط واقعی نظر متفاوتی با آنچه در این پژوهش ارائه کرده اند، داشته باشند. همچنین باید به امکان تاثیرگذاری سایر شرایط بر تصمیم گیری های حسابرسان از جمله شرایط جسمی و روحی توجه کرد.

پیوست ها:*** افته با ریسک پایین****شرکت الف****معرفی شرکت:**

شرکت "الف" در صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی فعالیت می‌کند. در حال حاضر این شرکت به تهیه، تولید و توزیع شیر و فرآورده‌های آن، آبمیوه و سایر فرآورده‌های غذایی پاستوریزه و استریلیزه می‌پردازد. محصولات این شرکت به صورت عمده فروشی و فقط در داخل کشور به فروش می‌رسد. دفتر مرکزی و کارخانجات تولیدی آن در شهر تهران واقع شده است. ساختار سازمانی این شرکت پیچیده نمی‌باشد. تعداد ۲۵۰ نفر در این شرکت به فعالیت می‌پردازند.

صنعت و رقابت:

شرکت "الف" در یک صنعت رقابتی فعالیت می‌کند. عوامل اصلی رقابت شامل قیمت و کیفیت محصولات می‌باشد. این شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است. صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی شامل تقریباً ۳۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برخی از رقبای این شرکت منابع مالی و تولیدی بیشتری نسبت به این شرکت دارند، با این وجود، شرکت قادر بوده است ثبات خود را در بازار حفظ نماید و در مقابل تغییرات، انعطاف پذیری لازم را داشته باشد. این صنعت با رویه‌های حسابداری و الزامات قانونی جدید که بر ثبات و سودآوری شرکت "الف" تاثیر داشته باشد، مواجه نیست.

مدیریت و راهبری:

مدیریت شرکت نسبت به اموری که انجام می‌دهد و تصمیماتی که اتخاذ می‌کند اطمینان معقولی دارد و نسبت به حفظ سود شرکت و قیمت سهام آن واقع بین می‌باشد. مدیریت دارای تخصص حسابداری می‌باشد اما به توصیه‌های واحد حسابداری در مورد تصمیمات مربوط به گزارشگری از جمله انتخاب اصول حسابداری و تعیین برآوردهای حسابداری احترام می‌گذارد. مصاحبه با کارمندان واحد مورد رسیدگی نشان می‌دهد که تحمیل فشاری از سوی مدیریت برای رسیدن به عملکرد مورد انتظار وجود نداشته است. مدیریت شرکت ۵ سال سابقه مدیریتی دارد و از نظر مهارت‌های کلامی و ارتباطی و حفظ استرس خود در سطح متوسط می‌باشد. مدیریت در انجام کارها با مدیران میانی مشورت می‌کند و مدیران میانی می‌توانند نظرات خود را در مورد تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیریت بیان کنند. مصاحبه با مدیریت نشان می‌دهد که او در بیان توانایی‌های مدیریتی و همچنین حفظ جایگاه خود واقع بین می‌باشد. مدیریت کنترل‌های داخلی

را تا حدود زیادی رعایت کرده و همیشه، حتی در مواجهه با شرایط نامساعد و وخیم، وضعیت شرکت را آن طور که هست بیان می‌کند.

عملکرد مالی:

با توجه به وضعیت صنعت در سال‌های اخیر، شرکت رشد معقولی را تجربه کرده است و توانسته است سهم از بازار خود را حفظ نماید. سودآوری شرکت در مقایسه با پیش‌بینی‌ها و انتظارات تحلیلگران، سرمایه‌گذاران نهادی و اعتباردهندگان اختلاف معناداری نداشته است. پیش‌بینی می‌شود این صنعت در سال‌های آتی رشد داشته باشد. علاوه بر این شرکت همواره سودآور بوده است، همیشه قادر بوده است بدهی‌های خود را پرداخت نماید، الزامات بورس اوراق بهادار و سایر قوانین و مقررات مربوطه را رعایت نماید، محدودیت‌های موجود در قراردادهای بدهی را حفظ نماید و هرگز با خطر ورشکستگی و تحصیل از سوی رقبا مواجه نبوده است. همچنین تاکنون به غیر از چند مورد ادعای جزئی علیه شرکت، ادعاهای با اهمیتی در مورد شرکت و مدیران آن وجود نداشته است. جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت مثبت بوده است. شرکت هیچ دارایی، بدهی، درآمد یا هزینه‌ای مبتنی بر برآوردها و قضاوت‌های ذهنی یا عدم اطمینان‌هایی که بررسی و تایید آن‌ها دشوار باشد، ندارد.

کنترل‌های داخلی:

شرکت "الف" کنترل‌های داخلی نسبتاً اثربخشی دارد. ضعف‌هایی در کنترل‌های داخلی وجود داشته است اما مدیریت گام‌هایی را برای اصلاح به موقع آن ضعف‌ها برداشته است. شرکت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مناسبی دارد. نظارت مناسبی بر کنترل‌های داخلی شرکت وجود دارد از جمله نظارت بر کنترل‌های داخلی مربوط به سیستم‌های رایانه‌ای. همچنین شرکت هیئت مدیره و کمیته حسابرسی اثربخشی دارد که بر گزارشگری مالی و کنترل‌های داخلی نظارت می‌کنند. به غیر از چند مورد جزئی، با حساب‌برسان در مورد مسائل حسابداری، حسابرسی و گزارشگری، بحث و اختلاف نظر وجود نداشته است و محدودیت خاصی در مسائل مربوط به حسابرسی از قبیل قلمرو کاری و زمان‌بندی آزمون‌ها ایجاد نشده است. تغییرات در مدیریت و هیئت مدیره نرمال می‌باشد. شرکت معاملات با اشخاص وابسته عمده و غیر معمول نداشته است.

*** افته با ریسک بالا****شرکت الف****معرفی شرکت:**

شرکت "الف" در صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی فعالیت می‌کند. در حال حاضر این شرکت به تهیه، تولید و توزیع شیر و فرآورده‌های آن، آبمیوه و سایر فرآورده‌های غذایی پاستوریزه و استریلیزه می‌پردازد. محصولات این شرکت به صورت عمده فروشی و فقط در داخل کشور به فروش می‌رسد. دفتر مرکزی و کارخانجات تولیدی آن در شهر تهران واقع شده است. ساختار سازمانی این شرکت پیچیده نمی‌باشد. تعداد ۲۵۰ نفر در این شرکت به فعالیت می‌پردازند.

صنعت و رقابت:

شرکت "الف" در یک صنعت رقابتی فعالیت می‌کند. عوامل اصلی رقابت شامل قیمت و کیفیت محصولات می‌باشد. این شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است. صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی شامل تقریباً ۳۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برخی از رقبای این شرکت منابع مالی و تولیدی بیشتری نسبت به این شرکت دارند، با این وجود، شرکت قادر بوده است ثبات خود را در بازار حفظ نماید و در مقابل تغییرات، انعطاف پذیری لازم را داشته باشد. این صنعت با رویه‌های حسابداری و الزامات قانونی جدید که بر ثبات و سودآوری شرکت "الف" تاثیر داشته باشد، مواجه نیست.

مدیریت و راهبری:

مدیریت شرکت نسبت به اموری که انجام می‌دهد و تصمیماتی که اتخاذ می‌کند به شدت اطمینان دارد با این حال نسبت به حفظ سود شرکت و قیمت سهام آن واقع بین می‌باشد. مدیریت دارای تخصص حسابداری می‌باشد و نسبت به مسائل حسابداری و حسابرسی شرکت از جمله انتخاب اصول حسابداری و تعیین برآوردهای حسابداری اشتیاق زیادی دارد. مصاحبه با کارمندان واحد مورد رسیدگی بیانگر این مطلب بوده است که مدیریت شرکت سابقه تحمیل فشار به کارمندان واحد مورد رسیدگی برای دست یافتن به عملکرد مورد انتظار را دارد. مدیریت شرکت ۱۵ سال سابقه مدیریتی دارد و از مهارت‌های کلامی و ارتباطی بالایی برخوردار است. سبک مدیریتی در این شرکت به گونه‌ای است که کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد تا تصمیمات مدیریتی را به چالش بکشاند. مدیریت در انجام کارها چندان به مشورت‌های دیگران توجه نمی‌کند. مصاحبه با مدیریت نشان می‌دهد که او توانایی‌های مدیریتی خود را بهتر از دیگران می‌داند، تمایل زیادی به حفظ جایگاه خود دارد، و بر این عقیده است که کنترل‌ها داخلی برای خود او کاربرد

ندارد و برای دیگران وضع شده است. مدیریت به خوبی استرس خود را پنهان می‌کند و همیشه، حتی در مواجهه با شرایط نامساعد و وخیم، به سهامداران گفته است که وضعیت شرکت مناسب می‌باشد.

عملکرد مالی:

با توجه به وضعیت صنعت در سال‌های اخیر، شرکت رشد معقولی را تجربه کرده است و توانسته است سهم از بازار خود را حفظ نماید. سودآوری شرکت در مقایسه با پیش‌بینی‌ها و انتظارات تحلیلگران، سرمایه‌گذاران نهادی و اعتباردهندگان اختلاف معناداری نداشته است. پیش‌بینی می‌شود این صنعت در سال‌های آتی رشد داشته باشد. علاوه بر این شرکت همواره سودآور بوده است، همیشه قادر بوده است بدهی‌های خود را پرداخت نماید، الزامات بورس اوراق بهادار و سایر قوانین و مقررات مربوطه را رعایت نماید، محدودیت‌های موجود در قراردادهای بدهی را حفظ نماید و هرگز با خطر ورشکستگی و تحصیل از سوی رقبا مواجه نبوده است. همچنین تاکنون به غیر از چند مورد ادعای جزئی علیه شرکت، ادعاهای با اهمیتی در مورد شرکت و مدیران آن وجود نداشته است. جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت مثبت بوده است. شرکت هیچ دارایی، بدهی، درآمد یا هزینه‌ای مبتنی بر برآوردها و قضاوت‌های ذهنی یا عدم اطمینان‌هایی که بررسی و تایید آن‌ها دشوار باشد، ندارد.

کنترل‌های داخلی:

شرکت "الف" کنترل‌های داخلی نسبتاً اثربخشی دارد. ضعف‌هایی در کنترل‌های داخلی وجود داشته است اما مدیریت گام‌هایی را برای اصلاح به موقع آن ضعف‌ها برداشته است. شرکت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مناسبی دارد. نظارت مناسبی بر کنترل‌های داخلی شرکت وجود دارد از جمله نظارت بر کنترل‌های داخلی مربوط به سیستم‌های رایانه‌ای. همچنین شرکت هیئت مدیره و کمیته حسابرسی اثربخشی دارد که بر گزارشگری مالی و کنترل‌های داخلی نظارت می‌کنند. به غیر از چند مورد جزئی، با حساب‌برسان در مورد مسائل حسابداری، حسابرسی و گزارشگری، بحث و اختلاف نظر وجود نداشته است و محدودیت خاصی در مسائل مربوط به حسابرسی از قبیل قلمرو کاری و زمان‌بندی آزمون‌ها ایجاد نشده است. تغییرات در مدیریت و هیئت مدیره نرمال می‌باشد. شرکت معاملات با اشخاص وابسته عمده و غیر معمول نداشته است.

❖ پرسشنامه همراه با افته

ارزیابی شما از ریسک تقلب شرکت "الف" به صورت کلی چه قدر می‌باشد؟

بدون ریسک											ریسک بالا										
۰	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۰	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰
											ریسک تقلب										

پس از ارزیابی ریسک تقلب شرکت "الف" به صورت کلی، ریسک تقلب هر یک از نشانه‌های تقلب را به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار دهید.

بدون ریسک											ریسک بالا										
۰	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۰	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰
											تمایل زیاد مدیریت به حفظ و افزایش روند سودآوری شرکت										
											پدید آمدن الزامات جدید قانونی یا مقررات حسابداری اطمینان بیش از حد										
											وجود جریان های نقدی منفی مکرر										
											حفظ جایگاه (جاه طلبی)										
											ناتوانی شرکت در بازپرداخت بدهی‌ها										
											سابقه وجود ادعا علیه واحد مورد رسیدگی، مدیران میانی و اعضای هیئت مدیره به دلیل ارتکاب تقلب و نقض قوانین										
											خطر ورشکستگی و تحصیل توسط رقبا										
											خود برتر بینی										
											رشد یا سود آوری مفرط										
											رقابت در صنعت										
											تغییرات مدیریت و مدیران ارشد										
											انجام معاملات بااهمیت و خارج از روال عادی کسب و کار با اشخاص وابسته										
											گزارش دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها بر اساس برآوردهای ذهنی										
											اختلاف نظر با حسابرسان در مورد مسائل حسابداری، حسابرسی و گزارشگری										

فهرست منابع

- انصاری، عبدالمهدی و کمالی کرمانی، نرجس. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر تصمیم حسابرسان جهت استفاده از ابزار کمکی تصمیم‌گیری در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۶، صص ۶۲-۷۹.
- بنی مهد، بهمن و گل محمدی، آرش. (۱۳۹۶). بررسی رابطه میان جو اخلاقی و هشداردهی در مورد تقلب از طریق مدل گزارشگری اختیاری در حرفه حسابرسی ایران، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۶۱-۸۶.
- خواجوی، شکراله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر متغیرهای حسابرسی بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، شماره ۶۸، صص ۴۱-۶۲.
- دیانتی، زهرا. (۱۳۹۶). راهنمای تدوین برنامه درسی برای تعلیم و تربیت حسابداران متخصص در زمینه مباحث قضایی و تقلب. اولین همایش سراسری حسابداری دادگاهی و تقلب، همایش مشترک بین دانشگاه اصفهان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصفهان.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ سلطانی، اصغر و عمرانی، حامد. (۱۳۹۷). تدوین برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته حسابداری قضایی (دادگاهی) و ضد تقلب. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳ (۵): ۱۰۰-۴۱.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۴). استانداردهای حسابرسی، سایر خدمات اطمینان بخشی و خدمات مرتبط، انتشارات سازمان حسابرسی.
- یزدانی فضل آبادی، فرشته. (۱۳۹۵). شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر در تقلب صورت‌های مالی بر اساس مثلث تقلب با استفاده از روش *AHP*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه قم.
- Abdel-Khalik, A. 2002. Reforming Corporate Governance Post Enron: Shareholder's Board of Trustees and the Auditor. *Journal of Accounting and Public Policy*, 21 (2): 97-103.
- Apostolou, B., Hassell, J., and Webber, S. 2001. The Relative Importance of Management Fraud Risk Factors. *Behavioral Research in Accounting*, 13: 1-24.
- Aprilian, S., and Agustina, L. 2017. The Analysis of Fraudulent Financial Reporting Determinant through Fraud Pentagon Approach. *Jurnal Dinamika Akuntansi*, 2 (9): 154-165.
- Arel, B., Jennings, M., Pany, K., and Reckers, P. 2012. Auditor Liability: A Comparison of Judge and Juror Verdicts. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (5): 516-532.

- Australian Auditing Standards (AUS). 2004. ASA 240.
- Beasley, M.S., Carcello, J.V., Hermanson, D.R., and Neal, T. 2010. Fraudulent Financial Reporting: 1998–2007, An Analysis of U.S. Public Companies. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission, Durham, NC.
- Bell, T.B., and Carcello, J.V. 2000. A Decision Aid for Assessing the Likelihood of Fraudulent Financial Reporting. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19 (1): 169–184.
- Binti, N., and Hesri, F. M. D. 2010. Fraud Diamond Risk Indicator: An Assessment of Its Importance and Usage. International Conference on Science and Social Research (CSSR), December 5 - 7, Malaysia.
- Bonner, S., Libby, R., and Nelson, M. 1996. Using Decision Aids to Improve Auditors' Conditional Probability Judgments. *Accounting Review*, 71 (2): 221–240.
- Carcello, J.V., and Hermanson, D.R. 2008. Fraudulent Financial Reporting: How Do We Close the Knowledge Gap? Institute for Fraud Prevention, Morgantown, WV.
- Carpenter, T. 2007. Audit Team Brainstorming, Fraud Risk Identification, and Fraud Risk Assessment: Implications of SAS No. 99. *Accounting Review*, 82 (5): 1119–1140.
- Crowe Horwath. 2011. *Playing Offense in a High-Risk Environment*. Crowe Horwath, New York, NY.
- Dorminey, J., Fleming, A., Kranacher, M., and Riley Jr. R. 2012. Beyond the Fraud Triangle: Enhancing Deterrence of Economic Crimes. *Fraud Magazine* (September/October), 18–25.
- Douglas M. B., F. Todd DeZoort, Dana R. Hermanson. 2015. The Effect of Alternative Fraud Model Use on Auditors' Fraud Risk Judgments. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34: 578–596.
- Dowling, C., and Leech, S. 2007. Audit Support Systems and Decision Aids: Current Practice and Opportunities for Future Research. *International Journal of Accounting Information Systems*, 8: 92–116.
- Feng, M., Ge, W., Luo, S., and Shevlin, T. 2011. Why Do CFOs Become Involved in Material Accounting Manipulations? *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1/2): 21–36.
- Field, Andy. 2009. *Discovering Statistics Using SPSS*. Third Edition, SAGE Publications Ltd.
- Fortvingler, Judit. 2016. Different Approaches to Fraud Risk Assessment and Their Implications on Audit Planning. *Periodica Polytechnica Social and Management Sciences*, 24(2): 102-112.
- Hammersley, J. S. 2011. A Review and Model of Auditor Judgments in Fraud-Related Planning Tasks. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (4): 101–128.

- Hammersley, J.S., Johnstone, K.M., and Kadous, K. 2011. How Do Audit Seniors Respond to Heightened Fraud Risk. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (3), 81–101.
- Hogan, C.E., Rezaee, Z., Riley Jr., R., and Velury, U.K. 2008. Financial Statement Fraud: Insights from the Academic Literature. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27 (2): 231–252.
- Johnson, E., Kuhn Jr., J., Apostolou, B., and Hassell, J. (2013). Auditor Perceptions of Client Narcissism as a Fraud Attitude Risk Factor. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (1): 203–219.
- Kassem, R., and Higson, A. 2012. The New Fraud Triangle Model. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 3 (3): 191–195.
- Mackevicius, J. and Giriunas, L. 2013. Transformational Research of the Fraud Triangle. *EKONOMIKA*, 92(4): 150-163.
- Marchesi, M. Favere. (2013). Effects of Decomposition and Categorization on Fraud-Risk Assessments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (4): 201–219.
- Mark, J. 2011. Why the Fraud Triangle is No Longer Enough. Crowe Horwath.
- McEnroe, J. E., and Martens, S. C. 2001. Auditors' and Investors' Perceptions of the "Expectation Gap". *Accounting Horizons*, 15 (4): 345–358.
- Montgomery . C.D. 2007. *Design and Analysis of Experiments*. John Wiley & Sons.
- Nelson, M. 2009. A Model and Literature Review of Professional Skepticism in Auditing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28 (2): 1–34.
- Nelson, M., and Tan, H. (2005). Judgment and Decision-Making Research in Auditing: A Task, Person, and Interpersonal Interaction Perspective. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24: 41–71.
- Ping, Z. 2007. The Impact of the Public's Expectations of Auditors on Audit Quality and Auditing Standards Compliance. *Contemporary Accounting Research*, 24 (2): 631–654.
- Rahman, F., Achyani, F. and Zulfikar, S. 2017. Fraud Pentagon dalam Mendeteksi Financial Statement Fraud.
- Rezaee, Z. (2005). Causes, Consequences, and Deterrence of Financial Statement Fraud. *Critical Perspectives on Accounting*, 16: 277–298.
- Rukmana, H. S. 2018. Pentagon Fraud Affect on Financial Statement Fraud and Firm Value Evidence in Indonesia. *South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law*, 16 (5): 118-122.
- Trompeter, G., Carpenter, T., Desai, N., Jones, K., and Riley Jr., R. 2013. A Synthesis of Fraud Related Research. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (1): 287–321.

- Wilks, J., Zimbelman, M. 2004. Decomposition of Fraud-Risk Assessments and Auditors' Sensitivity to Fraud Cues. *Contemporary Accounting Research*, 21 (3): 719–745.
- Wolfe, D., and Hermanson, D. R. 2004. The Fraud Diamond: Considering Four Elements of Fraud. *CPA Journal*: 38–42.
- Zaki, N. M. 2017. The Appropriateness of Fraud Triangle and Diamond Models in Assessing the Likelihood of Fraudulent Financial Statements- an Empirical Study on Firms Listed in the Egyptian Stock Exchange. *International Journal of Social Science and Economic Research*, 2: 2403-2433.